

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ ۖ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ ﴿١﴾

ای مردم! از پروردگارتان پروا کنید، بی تردید زلزله قیامت، واقعه ای بزرگ است. (۱)

یا..حرف ندا

أَيُّهَا..منادی نکره مقصوده مبني بر ضم محلا منصوب

النَّاسُ..بدل یا عطف بیان

اتَّقُوا..فعل و فاعل ضمیر متصل مرفوعی

رَبَّكُمُ ۖ..مفعول به منصوب

إِنَّ...حرف مشبهه به الفعل

زَلْزَلَةٌ..اسم ان منصوب

السَّاعَةِ... مضاف الیه مجرور

شَيْءٌ...خبر ان مرفوع.....جامد است نیازی به رابط ندارد

عَظِيمٌ..صفت برای شی مرفوع

اعراب جمل

ایها الناس...جمله ندا محلی از اعراب ندارد

اتقوا...جواب ندا محلی از اعراب ندارد

۲. يَوْمَ تَرُؤْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمَلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَارَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ ﴿٢﴾

روزی که آن را ببینید [مشاهده خواهید کرد که] هر مادر شیر دهنده ای از کودکی که شیرش می دهد، بی خبر می شود، و هر ماده بارداری بار خود را سقط می کند، و مردم را مست می بینی در حالی که مست نیستند، بلکه عذاب خدا بسیار سخت است. (۲)

يَوْمَ...ظرف منصوب متعلق به تذهل

تَرُؤْنَهَا... فعل مضارع مرفوع به ثبوت نون...مفعول به ضمیر متصل منصوبی

تَذْهَلُ..فعل مضارع مرفوع به ضمه

كُلُّ...فاعل مرفوع به ضمه

مُرْضِعَةٌ...مضاف الیه مجرور

عَمَّا... عن حرف جارہ.. ما.. اسم موصول.. جار و مجرور متعلق به تذهل

أَرْضَعْتُ.. فعل ماضی باب افعال.. فاعل هی مستتر

و.. عاطفه غیر عامل

تَصْعُ... فعل مضارع مرفوع به ضمه

كُلُّ... فاعل مرفوع به ضمه

ذَاتٍ.. مضاف الیه مجرور

حَمَلٍ.. مضاف الیه مجرور

حَمَلَهَا... مفعول به برای توضع و منصوب..ها مضاف الیه مجرور

و... عاطفه غیر عامل

تَرَى... فعل مضارع مرفوع به ضمه مقدر.. فاعل انت مستتر

النَّاسِ.. مفعول به برای فعل تری منصوب

سُكَّارِيْ.. حال از ناس منصوب تقدیرا

و... حالیه

مَا.. نافیہ شبیه به لیس

هُمُ... اسم ما مرفوع محلا

بِسُكَّارِيْ.. باء زائده... سکاری محلا منصوب خبر

و.. عاطفه غیر عامل

لٰكِنَّ.. حرف شبیه به لیس

عَدَابٍ.. اسم لکن منصوب به فتحه

اللَّهِ.. مضاف الیه مجرور

شَدِيدٌ... خبر لکن مرفوع به ضمه... رابط هو مستتر در شدید

اعراب جمل

ترونها... مضاف الیه محلا مجرور

ما هم بسکاری.. حالیه محلا منصوب

ارضعت... جمله صله محلی از اعراب ندارد

۳. وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ ﴿٣﴾

و برخی از مردم اند که [همواره] بدون هیچ دانشی [بلکه از روی جهل و نادانی] درباره خدا [با اصرار بر یک اعتقاد بی پایه] برخورد خصمانه و گفتگوی ستیزآمیز می کنند، و از هر شیطان سرکشی پیروی می نمایند. (۳)

وَمِنَ النَّاسِ... جارو مجرور متعلق به خبر مقدم محذوف

مَنْ.. اسم موصول محلا مرفوع مبتدای موخر

يُجَادِلُ.. فعل مضارع مرفوع به ضمه.. فاعل هو مستتر

فِي اللَّهِ.. جارو مجرور متعلق به یجادل

بِغَيْرِ.. متعلق به حال محذوف از فاعل یجادل

عِلْمٍ.. مضاف الیه مجرور

و... عاطفه غیر عامل

يَتَّبِعُ... فعل مضارع مرفوع به ضمه... فاعل هو مستتر

كُلِّ.. مفعول به منصوب برای یتبع

شَيْطَانٍ.. مضاف الیه مجرور

مَرِيدٍ... مضاف الیه مجرور

یجادل... جمله صله محلی از اعراب ندارد

یتبع.. عطف به یجادل.. محلی از اعراب ندارد

۴. كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّاهُ فَإِنَّهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ ﴿٤﴾

بر آن شیطان، لازم و مقرر شده است که هر کس که او را به سرپرستی و دوستی خود گیرد، حتماً او گمراهش می کند، و به آتش سوزنده راهنمایی اش می نماید. (۴)

كُتِبَ... فعل ماضی مجهول.. مبنی بر فتح

عَلَيْهِ.. جارو مجرور متعلق به کتب

أَنَّهُ... حروف مشبه.. اسم ان محلا منصوب

مَنْ.. اسم موصول مبتدا محلا مرفوع...

تَوَلَّاهُ.... فعل مضارع مرفوع تقدیرا... هاء مفعول به منصوب محلا

فَاءَهُ... فاء جزا.. ان حروف مشبهه.. هاء اسم ان محلا منصوب
يُضِلُّهُ.. فعل مضارع مرفوع به ضمه.. هاء مفعول به محلا منصوب
وَ.. عاطفه غير عامل

يَهْدِيهِ.. فعل مضارع مرفوع به ضمه مقدر

إِلَى عَذَابٍ.. جارو مجرور متعلق به يهدى

السَّعِيرِ... صفت برای مضاف اليه که حذف شده؟؟؟؟؟؟

من تولاه... محلا مرفوع خبر برای ان اول... رابط ه

تولاه... خبر برای من.. محلا مرفوع... رابط هو مستتر در تولى

يضله... خبر برای ان دوم... رابط ه

۵. يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُّخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ ۗ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ۖ وَمِنْكُمْ مَّنْ يَمُوتُ ۖ وَمِنْكُمْ مَّنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا ۗ وَتَرَىٰ الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ رَوْحٍ بِهِيجٌ ﴿٥﴾

ای مردم! اگر درباره برانگیخته شدن [پس از مرگ] در تردید هستید، پس [به این واقعیت توجه کنید که] ما شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه، سپس از علقه، سپس از پاره گوشتی با آفرینشی کامل یا غیر کامل آفریدیم تا برای شما روشن کنیم [که ما به برانگیختن مردگان تواناییم]؛ و آنچه را می خواهیم تا مدتی معین در رحم ها مستقر می کنیم؛ آن گاه شما را به صورت کودک [از رحم مادر] بیرون می آوریم تا آنکه به قدرت فکری و نیرومندی جسمی خود برسید. و برخی از شما [پیش از فرتوتی] قبض روح می شود، و برخی از شما را به پست ترین دوره عمر [که ایام پیری است] بر می گردانند تا در نتیجه از دانشی که داشتند چیزی ندانند. و [از نشانه های دیگر قدرت ما اینکه] زمین را [در زمستان] خشک و افسرده می بینی، پس چون آب [باران] را بر آن نازل می کنیم، می جنبد و برمی آید و از هر نوع گیاه تر و تازه و بهجت انگیزی می رویاند. (۵)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ..... ترکیب در آیه ۱

إِنْ.. شرطیه

كُنْتُمْ.. فعل ناقصه.. تم اسم کان

فِي رَيْبٍ... جارو مجرور متعلق به خبر محذوف... رابط هو مستتر در یکون محذوف

مِنَ الْبَعْثِ... جارو مجرور متعلق به ريب

فَائِنَا... فاء جواب شرط.. ان حرف مشبهه.. نا اسم ان محلا منصوب

خَلَقْنَاكُمْ... فعل ماضی مبني بر سکون.. نا فاعل محلا مرفوع.. کم مفعول به منصوب محلا

مِنْ تُرَابٍ ... جارو مجرور متعلق به خلق

ثُمَّ ... عاطفه غیر عامل

مِنْ نُظْفَةٍ ... معطوف

ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ... معطوف

ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ .. معطوف

مُخَلَّقَةٍ ... صفت برای مضغه مجرور

وَ ... عاطفه

غَيْرٍ .. معطوف به مخلقه مجرور

مُخَلَّقَةٍ ... مضاف الیه مجرور

لِيُبَيِّنَ ... لام تعلیلیه.. فعل مضارع منصوب به ان مقدره.. فاعل انا مستتر

لَكُمْ ... جارو مجرور متعلق به نبین

وَ .. عاطفه ..

نُقِرُّ ... فعل مضارع مرفوع به ضمه

فِي الْأَرْحَامِ ... جارو مجرور متعلق به نقر

مَا ... مفعول به محلا منصوب

نَسَاءً ... فعل مضارع مرفوع به ضمه.. فاعل انا مستتر.. صله ما

إِلَى أَجَلٍ .. جارو مجرور متعلق به نقر

مُسَمًّى ... صفت برای اجل اتقدیرا مجرور

ثُمَّ ... عاطفه

نُخْرِجُكُمْ ... فعل مضارع مرفوع به ضمه.. فاعل انا مستتر.. کم مفعول به محلا منصوب

طِفْلاً .. حال منصوب از کم

ثُمَّ .. عاطفه

لِيَتَّبِعُوا ... لام تعلیلیه.. فعل مضارع منصوب به ان ناصبه مقدره.. فاعل واو

أَشَدُّكُمْ ... مفعول به منصوب .. کم مضاف الیه مجرور محلا

وَ مِنْكُمْ ... جارو مجرور متعلق به خبر محذوف

مَنْ ... اسم موصول مبتدای موخر

يُتَوَقَّى... فعل مضارع مجهول مرفوع به ضمه مقدر.. صله
وَمِنْكُمْ.. جارو مجرور متعلق به خبر مقدم... هو مستتر در يكون

مَنْ.. مبتدای موخر محلا مرفوع

يُرَدُّ.. فعل مضارع مرفوع به ضمه

إِلَى أَرْدَلٍ... جارو مجرور متعلق به یرد

الْعُمْرِ.. مضاف الیه مجرور

لِكَيْلًا... لکی حرف ناصبه... لا نافیہ

يَعْلَمَ... مضارع منصوب به فتحه

مِنْ بَعْدٍ.. جارو مجرور متعلق به يعلم

عِلْمٍ.. مضاف الیه مجرور

شَيْئًا... مفعول به يعلم منصوب

و.. عاطفه

تَرَى.. فعل مضارع مرفوع به ضمه مقدر.. فاعل انت مستتر

الْأَرْضَ .. مفعول به برای تری منصوب

هَامِدَةً.. حال برای ارض منصوب

فَإِذَا.. فاء.. عاطفه.. اذا ظرفیه شرطیه

أَنْزَلْنَا... فعل ماضی مبنی بر سکون.. نا ضمیر متصل مرفوعی فاعل محلا مرفوع

عَلَيْهَا... جار و مجرور متعلق به انزلنا

الْمَاءِ... مفعول به منصوب

اهْتَزَّتْ... فعل ماضی مبنی بر فتحه.. فاعل هی مستتر

و.. عاطفه

رَبَّتْ... فعل ماضی مبنی بر فتحه مقدر.. فاعل هی مستتر.. معطوف..

و.. عاطفه

أَنْبَتَتْ... فعل ماضی مبنی بر فتح.. فاعل هی مستتر.. معطوف

مِنْ كُلِّ.. جار و مجرور متعلق به انبتت

رَوْحٍ.. مضاف الیه مجرور

بِهَيْجٍ..صفت مجرور

اعراب جمل

یا ایها الناس..استینافیه..محلی از اعراب ندارد

ان کنتم...جواب ندا محلی ندارد

خلقناکم..محلا مرفوع خبر ان..رابط نا در خلق

نبین لکم..صله موص حرفی ان مضمرة...محلی ندارد

نشاء...صله موصول ما..محلی ندارد

نخرجکم..معطوف به نشاء..محلی ندارد

تبلغوا...صله موصول ان..محلی ندارد

یتوفی..صله من..محلی ندارد

یرد...صله من..محلی ندارد

انزلنا..مضاف الیه محلا مجرور

اهتزت..جواب شرط غیر جازم..محلی دارد

ربت و انبتت..معطوفان..محلی ندارند

۶. ذَلِكْ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٦﴾

[همه] این [امور] برای این است که [بدانید] خدا همان حق است، و اینکه او مردگان را زنده می کند، و اینکه او بر هر کاری تواناست. (۶)

ذَلِكْ...مبتدا محلا مرفوع

بِأَنَّ...باء سببیت..ان حروف مشبه

اللَّهِ...اسم ان منصوب

هُوَ..ضمیر فصل...محلی ندارد

الْحَقُّ..خبر مرفوع...مصدر جامد نیازی به رابط نیست

وَ..عاطفه

أَنَّهُ..حرف مشبه..هاء اسم ان

يُحْيِي..فعل مضارع مرفوع به ضمه مقدر..فاعل هو مستتر

الْمَوْتَىٰ..مفعول به منصوب برای يحيي

و..عاطفه

أَنَّ..ان حرف مشبه..هَاء اسم ان محلا منصوب

عَلَى كَلٍّ..جار و مجرور متعلق به قدیر

شَيْءٍ..مضاف الیه مجرور

قَدِيرٌ..خبر برای ان مرفوع...رابط هو در قدیر

اعراب جمل

یحیی الموقی..خبر برای ان..رابط هو مستتر در یحیی

۷. وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ ﴿۷﴾

و اینکه قیامت آمدنی است، هیچ شکی در آن نیست، و اینکه خدا کسانی را که در گورهایند، برمی انگیزد. (۷)

و..عاطفه

أَنَّ..حرف مشبهه

السَّاعَةَ..اسم ان..منصوب به فتحه

آتِيَةٌ...خبر ان..مرفوع..رابط هی در آتیه

لَا رَيْبَ...لای نفی جنس..ریب اسم لا مبنی بر فتح

فِيهَا..جار و مجرور متعلق به خبر محذوف...رابط هی که بر میگردد به الساعه

و..عاطفه

أَنَّ..حرف مشبهه

اللَّهِ..اسم ان منصوب به فتحه

يَبْعَثُ..فعل مضارع مرفوع به ضمه..فاعل هو مستتر...رابط هو مستتر

مَنْ...اسم موصول مفعول به منصوب محلا

فِي الْقُبُورِ..جار و مجرور متعلق به صله محذوف

اعراب جمل

لاریب فیها.. خبر دوم برای ان

یبعث...محلا مرفوع خبر

۸. وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ ﴿۸﴾

و از مردمان کسی است که همواره بدون هیچ دانشی [بلکه از روی جهل و نادانی] و بدون هیچ هدایتی، و هیچ کتاب روشنی درباره خدا مجادله و ستیزه می کند. (۸)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ... ترکیب در آیه ۳

و...عاطفه

لا .. زائده برای تاکید نفی

هُدًى.. معطوف بر علم و مجرور تقدیرا

و..عاطفه

لَا كِتَابٍ.. زائده.. کتاب معطوف

مُنِيرٍ.. صفت برای کتاب

يجادل ... صله محلی ندارد

۹. ثَانِي عِظْفِهِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنَذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿۹﴾

[آن هم] با حالتی متکبرانه و مغرورانه که سرانجام مردم را از راه خدا گمراه کند؛ برای او در دنیا رسوایی است و روز قیامت عذاب سوزان به وی می چشانیم. (۹)

ثَانِي عِظْفِهِ... مضاف الیه مجرور.. هاء ضمیر متصل مجروری محلا

ثانی.. حال از فاعل يجادل

لِيُضِلَّ... لام تعلیل.. فعل مضارع منصوب به ان مقدر

عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ.. جار و مجرور متعلق به يضل.. الله مضاف الیه مجرور

له.. جار و مجرور متعلق به خبر مقدم

فِي الدُّنْيَا... جار و مجرور متعلق به حال از خزی

خِزْيٌ.. مبتدا موخر مرفوع... مصدر و جامد.. نیازی به رابط نیست

و...عاطفه

نَذِيقُهُ... فعل مضارع مرفوع به ضمه.. فاعل نحن مستتر.. هاء ضمیر متصل منصوبی مفعول به منصوب محلا

يَوْمَ الْقِيَامَةِ... ظرف متعلق به نذیق.. قیامه مضاف الیه مجرور

عَذَابَ الْحَرِيقِ... مفعول به منصوب .. حریق مضاف الیه مجرور

اعراب جمل

یضل.. محلی ندارد صله ان مضمرة

۱۰. ذَلِكْ بِمَا قَدَّمْتَ يَدَاكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ ﴿۱۰﴾

این [رسوایی و عذاب] به کیفر اعمالی است که از پیش فرستاده ای و به آن خاطر است که خدا نسبت به بندگان ستمکار نیست. (۱۰)

ذَلِكْ... اسم اشاره مبتدا مرفوع

بِمَا... جار و مجرور متعلق به خبر محذوف... ما موصوله.. رابط هو در یکون

قَدَّمْتَ.. فعل ماضی مبنی بر فتح... فاعل هی مستتر

يَدَاكَ... فاعل مرفوع به الف... مضاف الیه

و... عاطفه

أَنَّ.. حرف مشبیه

اللَّهِ.. اسم ان منصوب

لَيْسَ.. حرف ناسخه.. اسمش هو که به الله برمیگردد

بِظَلَامٍ.. خبر لیس منصوب محلا و لفظا مجرور.. باء زائده

لِلْعَبِيدِ.. لام تقویت.. جار مجرور لفظا و محلا منصوب مفعول به برای ظلام

اعراب جمل

لیس بظلام للعبید.. محلا مرفوع خبر برای ان

قدمت.. صله محلی ندارد

۱۱. وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَغْبُذُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكُمْ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ﴿۱۱﴾

و برخی از مردم اند که خدا را یک سوویه [و بر پایه دست یابی به امور مادی] می پرستند، پس اگر خیری [چون ثروت، مقام و اولاد] به آنان برسد به آن آرامش یابند، و اگر بلائی [چون بیماری، تهیدستی و محرومیت از عناوین اجتماعی] به آنان برسد [از پرستش خدا] عقب گرد می کنند [و به بی دینی و ارتداد می گرایند]، دنیا و آخرت را از دست داده اند، و این است همان زیان آشکار. (۱۱)

وَمِنَ النَّاسِ.. جار و مجرور متعلق به خبر مقدم.. رابط هو مستتر در یکون

مَنْ.. اسم موصول مبتدا موخر

يَعْبُدُ... فعل مضارع مرفوع به ضمه

اللَّهِ..مفعول به منصوب

عَلَى حَرْفٍ.. جار و مجرور متعلق به حال

ف.. جواب شرط

إِنْ شرطيه

أَصَابَتْهُ..فعل ماضى مبني بر فتح...محلا مجزوم فعل شرط..هاء مفعول به محلا منصوب

خَيْرٌ...فاعل مرفوع

اطْمَأَنَّ...جواب شرط محلا مجزوم

بِهِ ... جار و مجرور متعلق با اطمان

و..عاطفه

إِنْ أَصَابَتْهُ..شرطيه..فعل ماضى محلا مجزوم فعل شرط..هاء مفعول به منصوب محلا

فِتْنَةً..فاعل مرفوع

انْقَلَبَ ..جواب شرط محلا مجزوم

عَلَى وَجْهِهِ... جار و مجرور متعلق به حال

خَسِرَ...فعل ماضى مبني بر فتح

الدُّنْيَا...مفعول به منصوب تقديرا

و..عاطفه

الْآخِرَةَ..معطوف

ذَلِكَ...مبتدا مرفوع محلا

هُوَ...ضمير فصل..محلى ندارد

الْخُسْرَانُ...خبر برای ذلک مرفوع...رابط جامد نیازی به رابط ندارد

الْمُبِينُ...صفت برای خسران

اعراب جمل

يعبد...صله محلى ندارد

هو الخسران المبين...جمله اسميه خبر برای هو محلا مرفوع

۱۲. يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا يَنْفَعُهُ ۚ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ البَعِيدُ ﴿۱۲﴾

چیزی را به جای خدا می پرستند که نه زبانی به آنان می رساند و نه سودی به آنان می دهد؛ این است همان گمراهی بسیار دور. (۱۲)

يَدْعُو... فعل مضارع مرفوع به ضمه

مِنْ دُونِ... جار و مجرور متعلق به حال از ما

اللَّهِ... مضاف الیه مجرور

مَا... مفعول به منصوب محلا

لَا يَضُرُّهُ... فعل مضارع مرفوع به ضمه.. هاء مضاف الیه

وَ... عاطفه

مَا... معطوف

لَا يَنْفَعُهُ... فعل مضارع مرفوع به ضمه.. هاء مضاف الیه

ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ البَعِيدُ... مثل ذلك هو الخسران المبین در آیه ۱۱... ضلال مصدر است و جامد

نیازی به رابط نیست

اعراب جمل

لا يضره... صله محلی ندارد

لا ينفعه.. صله محلی ندارد

ذلك.. ضلال.. جمله استینافیه محلی ندارد

۱۳. يَدْعُو لِمَنْ ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ ۚ لِبَيْسٍ الْمَوْلَىٰ وَلِبَيْسٍ الْعَشِيرُ ﴿۱۳﴾

بلکه کسی را می پرستند که قطعاً زیانش از سودش نزدیک تر است، بد سرپرست و یاوری و بد معاشر و همدمی است! (۱۳)

يَدْعُو... فعل مضارع مرفوع به ضمه

لِمَنْ... لام ابتدا.. مبتدا محلا مرفوع

ضَرُّهُ... مبتدا... هاء مضاف الیه محلا.. ه رابط است

أَقْرَبُ... خبر مرفوع برای ضم... رابط هو مستتر

مِنْ نَفْعِهِ... جار و مجرور متعلق به اقرب

لِبَيْسٍ... فعل ذم

الْمَوْلَىٰ... فاعل محلا مرفوع

و..عاطفه

لَيْئَسَ... فعل ذم

الْعَشِيرُ..فاعل محلا مرفوع

ضره...صله محلی ندارد

۱۴. إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿۱۴﴾

یقیناً خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، در بهشت هایی در می آورد که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است؛ مسلماً خدا هر چه را بخواهد انجام می دهد. (۱۴)

إِنَّ...حرف مشبیه

اللَّهِ...اسم ان منصوب

يُدْخِلُ.... فعل مضارع مرفوع به ضمه..فاعل هو مستتر

الَّذِينَ...مفعول به منصوب

آمَنُوا...فعل ماضی مبنی بر ضم

و..عاطفه

عَمِلُوا...فعل ماضی مبنی بر ضم

الصَّالِحَاتِ...مفعول به منصوب

جَنَّاتٍ...مفعول به برای فیل یدخل

تَجْرِي...فعل مضارع مرفوع

مِنْ تَحْتِهَا.... جار و مجرور متعلق به تجری

الْأَنْهَارُ...فاعل مرفوع به ضمه

إِنَّ...حرف مشبیه

اللَّهِ...اسم ان منصوب

يَفْعَلُ... فعل مضارع مرفوع به ضمه...فاعل هو مستتر..رابط هو مستتر

مَا...مفعول به محلا منصوب

يُرِيدُ... فعل مضارع مرفوع به ضمه

اعراب جمل

یدخل...خبر ان محلا مرفوع

آمنوا..صله محلی ندارد

عملو..معطوف محلی ندارد

يفعل..خبر محلا مرفوع

یرید..صله محلی ندارد

تجری...صفت برای جنات

۱۵. مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لِيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدَهُ مَا يَغِيظُ ﴿١٥﴾

کسی که همواره گمان می کند که خدا هرگز پیامبرش را در دنیا و آخرت یاری نخواهد داد [و اکنون یاری خدا را می بیند و به این خاطر ناامید و خشمگین است] باید طنابی از سقف [خانه اش] بیاویزد، سپس خود را حلق آویز کند، پس ببیند آیا حيله و نیرنگش آنچه را سبب خشم او شده است از بین می برد؟! (۱۵)

مَنْ...مبتدا محلا مرفوع...اسم شرط

كَانَ...فعل ناقصه..محلا مجزوم فعل شرط

يَظُنُّ... فعل مضارع مرفوع به ضمه

أَنْ...مخففه از ثقيله

لَنْ...ناصبه

يَنْصُرُهُ...فعل مضارع منصوب..هاء مفعول به محلا منصوب

اللَّهُ...فاعل مرفوع

فِي الدُّنْيَا... جار و مجرور تقدیرا متعلق به ينصر

و..عاطفه

الْآخِرَةِ..معطوف به دنیا

فَلْيَمْدُدْ...فاء جواب شرط..فعل امر

بِسَبَبٍ... جار و مجرور متعلق به يمدد

إِلَى السَّمَاءِ... جار و مجرور متعلق به صفت برای سبب

ثُمَّ...عاطفه

لَيُقْطَعُ... فعل امر مجزوم
فَلْيَنْظُرْ.. فاء عاطفه .. فعل امر مجزوم
هَلْ يُدْهِبَنَّ... استفهام.. فعل مضارع موكد به نون ثقیله مبنی بر فتح
كَيْدُهُ... فاعل برای یدهبن.. مضاف الیه
مَا... مفعول به محلا منصوب
يَغِيظُ.... فعل مضارع مرفوع به ضمه
اعراب جمل

يظن... محلا منصوب خبر كان... رابط هو مستتر در يظن
كان يظن.. محلا مرفوع خبر برای من.. رابط هو مستتر در كان
لن ينصره الله... خبر ان مخففه محلا مرفوع
ليمدد.. محلا مجزوم جواب شرط
ليقطع و لينظر... معطوفان به يمدد
يغیظ... صله محلی ندارد

۱۶. وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ ﴿١٦﴾

و این گونه، قرآن را [به صورت] آیاتی روشن نازل کردیم؛ و قطعاً خدا هر که را بخواهد، هدایت می کند. (۱۶)

وَكَذَلِكَ... واو استینافیه.. جارو مجرور متعلق به انزلنا

متعلق به حال از ه در انزلنا

أَنْزَلْنَاهُ... فعل ماضی مبنی بر فتح... مفعول به محلا منصوب

آيَاتٍ... حال از مفعول به محلا منصوب

بَيِّنَاتٍ... صفت برای آیات

وَ... عاطفه

أَنَّ... حرف مشبیه

اللَّهِ... اسم ان منصوب

يَهْدِي... فعل مضارع تقدیرا مرفوع...

مَنْ...مفعول به منصوب محلا

يُرِيدُ.... فعل مضارع مرفوع به ضمه

اعراب جمل

یهدی..محلا مرفوع خبر..رابط هو مستتر

یرید...صله محلی ندارد

۱۷. إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿١٧﴾

همانا آنان که ایمان آوردند و آنان که یهودی اند و صابئان و نصاری و مجوس و کسانی که شرک ورزیده اند، حتماً خدا روز قیامت میانشان داوری می کند [تا گرویدگان به حق از آلودگان به باطل جدا شوند و حق پیشگان به بهشت و باطل گرایان به دوزخ درآیند]؛ بی تردید خدا بر همه چیز گواه است. (۱۷)

إِنَّ...حرف مشبهه

الَّذِينَ...اسم ان منصوب محلا

آمَنُوا...فعل ماضی مبنی بر ضم

و..عاطفه

الَّذِينَ...معطوف

هَادُوا...فعل ماضی مبنی بر ضم

و...عاطفه

الصَّابِئِينَ...معطوف به اسم ان

و..عاطفه

النَّصَارَى...معطوف

و..عاطفه

الْمَجُوسَ...معطوف

و..عاطفه

الَّذِينَ...معطوف

أَشْرَكُوا...فعل ماضی مبنی بر ضم

إِنَّ...حرف مشبهه

اللَّهِ...اسم ان منصوب

يُفْصِلُ... فعل مضارع مرفوع به ضمه

بَيْنَهُمْ...ظرف مبني بر فتح متعلق به يفصل..مضاف اليه مجرور

يَوْمَ...ظرف متعلق به يفصل

الْقِيَامَةِ.... مضاف اليه مجرور

إِنَّ...حرف مشبهه

اللَّهِ...اسم ان منصوب

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ.... جار و مجرور متعلق به شهيد...مضاف اليه مجرور

شَهِيدٌ...خبر مرفوع..رابط هو مستتر

اعراب جمل

آمنوا..هادو..اشركو...صله محلی ندارد

ان الله يفصل بينهم...خبر ان اول محلا مرفوع ...رابط هم

يفصل بينهم..خبر برای ان دوم...هو مستتر در يفصل

۱۸. أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ
وَالشَّجَرُ وَالذَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ
يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ﴿۱۸﴾

آیا ندانسته ای که هر که در آسمان ها و هر که در زمین است و خورشید و ماه و ستارگان و کوه ها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم برای او سجده می کنند؟ و بر بسیاری [که از سجده امتناع دارند] عذاب، لازم و مقرر شده است. و کسی را که خدا خوار کند، گرامی دارنده ای برای او نیست؛ به یقین خدا هر چه را بخواهد انجام می دهد. (۱۸)

أ...همزه استفهام..

لم تر..فعل مضارع مجزوم به لم

أَنَّ...حرف مشبهه

اللَّهِ...اسم ان منصوب

يَسْجُدُ... فعل مضارع مرفوع به ضمه

لَهُ.... جار و مجرور متعلق به يسجد

مَنْ...فاعل محلا مرفوع

فِي السَّمَاوَاتِ.... جار و مجرور متعلق به صله محذوف من

و...عاطفه

مَنْ...معطوف

فِي الْأَرْضِ..... جار و مجرور متعلق به صله محذوف

وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ النُّجُومُ وَ الْجِبَالُ وَ الشَّجَرُ وَ الدَّوَابُّ وَ كَثِيرٌ.....معطوفات

مِنَ النَّاسِ ... جار و مجرور متعلق به كثير

وَ كَثِيرٌ..مبتدا مرفوع

حَقٌّ...فعل ماضی مبني بر فتح

عَلَيْهِ.... جار و مجرور متعلق به حق

الْعَذَابُ....فاعل مرفوع

و...عاطفه

مَنْ..مبتدا محلا مرفوع

يُهِنُ..فعل مضارع مجزوم به سكون...يهين بوده ...يهين شده

اللَّهُ...فاعل مرفوع به ضمه

فَمَا لَهُ... فاء جواب ...ما نافية ..جار و مجرور متعلق به محذوف خبر مقدم

مِنْ مُكْرِمٍ...محلا مرفوع مبتدای موخر

إِنَّ...حرف مشبهه

اللَّهُ...اسم ان منصوب

يَفْعَلُ... فعل مضارع مرفوع به ضمه

مَا...مفعول به برای يفعل

يَشَاءُ... فعل مضارع مرفوع به ضمه

اعراب جمل

يسجد له..محلا مرفوع ..خبر..رابط ه در له

حق عليه العذاب...جمله بعد از نکره ...صفت برای كثير

ما له من مکرم...جواب شرط محلا مجزوم

ی‌فعل ما یشاء... خبر محلا مرفوع برای ان...رابط هو مستتر در ی‌فعل
یشاء..صله محلی ندارد

۱۹. هُذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِنْ نَارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ
رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ ﴿١٩﴾

این دو [گروه حق پیشه و باطل گرا] دشمن یکدیگرند که درباره پروردگارشان در جدال و ستیزند [گروه
حق پیشه، پروردگار را به صفاتی وصف می کنند که شایسته اوست و گروه باطل گرا او را به اموری می
ستایند که سزاوار او نیست]، پس کسانی که کافر شدند برای آنان لباس هایی از آتش [به اندازه
اندامشان] بریده شده و از بالای سرشان مایع جوشان [به روی آنان] ریخته می شود، (۱۹)

هُذَانِ...مبتدا مرفوع محلا

خَصْمَانِ...خبر مرفوع به الف

اخْتَصَمُوا...فعل ماضی مبنی بر ضم

فِي رَبِّهِمْ ... جار و مجرور متعلق به اختصمو

فَالَّذِينَ...مبتدا محلا مرفوع

كَفَرُوا...فعل ماضی مبنی بر ضم

قُطِعَتْ...فعل ماضی مبنی بر سکون

لَهُمْ... جار و مجرور متعلق به قطعت

ثِيَابٌ...فاعل مرفوع برای قطعت

مِنْ نَارٍ...جارومجرور متعلق به صفت برای ثياب

يُصَبُّ... فعل مضارع مرفوع به ضمه

مِنْ فَوْقٍ...جار و مجرور متعلق به يصب

رُءُوسِهِمْ... مضاف اليه مجرور...هم مضاف اليه مجرور محلا

الْحَمِيمُ...فاعل مرفوع برای يصب

اعراب جمل

اختصموا..صفت برای خصمان

كفرو...صله محلی ندارد

قطعت لهم...محلا مرفوع خبر برای الذین..رابط هم

یصب...صفت برای حال از هم در لهم

۲۰. يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ ﴿۲۰﴾

که آنچه در شکم های ایشان است و پوست بدنشان به وسیله آن گداخته می شود، (۲۰)

يُصْهَرُ.... فعل مضارع مرفوع به ضمه

به.... جار و مجرور متعلق به یصهر

مَا..فاعل محلا مرفوع

فِي بُطُونِهِمْ.... جار و مجرور متعلق به صله محذوف

وَ

الْجُلُودُ..معطوف به ما مرفوع

۲۱. وَلَهُمْ مَقَامِعٌ مِنْ حَدِيدٍ ﴿۲۱﴾

و برای آنان گرزهایی از آهن [مخصوص] است [که بر سرشان می کوبند]. (۲۱)

و لَهُمْ.... جار و مجرور متعلق به خبر مقدم محذوف

مَقَامِعٌ...مبتدای موخر..مرفوع

مِنْ حَدِيدٍ...جارومجرور متعلق به صفت برای مقامع

۲۲. كَلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿۲۲﴾

هرگاه بخواهند به سبب اندوه [فراوان و غصه گلوگیر] از دوزخ درآیند، به آن بازشان می گردانند؛ و [به

آنان می گویند:] عذاب سوزان را بچشید. (۲۲)

كَلَّمَا...ظرف متضمن معنای شرط

أَرَادُوا...مضاف الیه محلا مجرور

أَنْ يَخْرُجُوا...فعل مضارع منصوب به حذف نون

مِنْهَا.... جار و مجرور متعلق به یخرجوا

مِنْ غَمٍّ... بدل از مجرور سابق به اعاده حرف جر

أُعِيدُوا...فعل ماضی مجهول اعودوا...اعیدوا

فِيهَا... جار و مجرور متعلق به اعيدوا

و...عاطفه

ذُوقُوا...معطوف به اعيدوا

عَذَابٍ...مفعول به منصوب

الْحَرِيقِ... مضاف اليه مجرور

۲۳. إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ﴿۲۳﴾

بی تردید خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، در بهشت هایی درمی آورد که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، در آنجا با دستبندهایی از طلا و مروارید آرایش می شوند، و لباسشان در آنجا حریر است. (۲۳)

إِنَّ...الأنهار...اعرابش در آیه ۱۴

يُحَلَّونَ...فعل مضارع مجهول

فِيهَا... جار و مجرور متعلق به يحلون

مِنْ أَسَاوِرَ متعلق به نعت برای مفعول به محذوف

مِنْ ذَهَبٍ..جار و مجرور متعلق به صفت برای اساور

و...عاطفه

لُؤْلُؤًا...معطوف از ذهب

و...عاطفه

لِبَاسُهُمْ...مبتدا مرفوع

فِيهَا... جار و مجرور متعلق به محذوف

حَرِيرٌ...خبر مرفوع

۲۴. وَهَدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهَدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ ﴿۲۴﴾

و به سوی گفتار پاک و پاکیزه [مانند سلام، الحمد لله و سبحان الله] راهنماییشان کنند، و به راه پسندیده [که راه بهشت است] هدایتشان نمایند. (۲۴)

وَ هَدُوا...فعل ماضی مبني ضم

إِلَى الطَّيِّبِ... جار و مجرور متعلق به هدوا
مِنَ الْقَوْلِ... جار و مجرور متعلق به حال از طيب
و..عاطفه

هُدُوا... فعل ماضى مبني بر ضم
إِلَى صِرَاطٍ.... جار و مجرور متعلق به هدوا
الْحَمِيدِ... مضاف اليه مجرور

۲۵. إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ
وَالْبَادِيَةِ وَمَن يَرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُّذِقْهُ مِن عَذَابِ أَلِيمٍ ﴿۲۵﴾

مسلمان کسانی که کافرند و از راه خدا و [ورود مؤمنان به] مسجد الحرام که آن را برای همه مردم چه
مقیم و حاضر و چه مسافر، یکسان قرار داده ایم جلوگیری می کنند، [کیفری بسیار سخت خواهند
داشت]، و هر که بخواهد در آنجا با انحراف از حق روی به ستم آورد [و دست به شرک و هر گناهی
بیالاید] او را عذابی دردناک می چشانیم. (۲۵)

إِنَّ... حرف مشبیه

الَّذِينَ.. اسم ان منصوب محلا

كَفَرُوا... فعل ماضى مبني بر ضم

وَ يَصُدُّونَ... فعل مضارع مرفوع به ثبوت نون

عَن سَبِيلِ.... جار و مجرور متعلق به يصدون

اللَّهِ.. مضاف اليه مجرور

و... الْمَسْجِدِ.. معطوف به سبيل

الْحَرَامِ... صفت برای مسجد

الَّذِي... صفت دوم برای مسجد

جَعَلْنَاهُ.. فعل ماضى مبني بر سکون... فاعل نا مرفوع محلا.. ه مفعول به

لِلنَّاسِ.... جار و مجرور متعلق به جعل

سَوَاءً.. حال منصوب

الْعَاكِفُ... فاعل برای سواء

فِيهِ... جار و مجرور متعلق به عاكف

و..عاطفه

الْبَادِءُ...معطوف به عاكف

و...استینافیه

مَنْ...مبتدا مرفوع

يُرْدُ...فعل مضارع مجزوم به سکون

فِيهِ... جار و مجرور متعلق به یرد

بِالْحَادِ... جار و مجرور متعلق به حال از مفعول به یرد محذوف

بِظُلْمٍ... جار و مجرور متعلق به بدل از الحاد بع اعاده حرف جر

نُذِفُهُ...فعل مضارع مجزوم به سکون

مِنْ عَذَابٍ... جار و مجرور متعلق به نذق

أَلِيمٍ...صفت برای عذاب

اعراب جمل

كفروا..صله محلی ندارد

يصدون...معطوف به صله محلی ندارد

جعلناه...صله محلی ندارد

یرد فیه بالحداد..خبر محلامرفوع...

۲۶. وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهَّرْ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ
السُّجُودِ ﴿۲۶﴾

و [یاد کن] هنگامی را که جای خانه [کعبه] را برای ابراهیم آماده کردیم [و از او پیمان گرفتیم] که هیچ چیز را شریک من قرار مده و خانه ام را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان [از پلیدی های ظاهری و باطنی] پاک و پاکیزه گردان. (۲۶)

و اذ...مفعول به

بَوَّأْنَا...فعل ماضی مبنی بر سکون

لِإِبْرَاهِيمَ...جار و مجرور متعلق به بوانا

مَكَانَ...ظرف مکان منصوب

الْبَيْتِ... مضاف الیه مجرور

أَنَّ لَا تُشْرِكُ... لا ناهیه... فعل مضارع مجزوم به سکون

پی... جار و مجرور متعلق به تشکر

شَيْئًا... مفعول به منصوب

و.. عاطفه

طَهَّرُ... فعل امر مبني بر سکون

بَيْتِي... مفعول به منصوب

لِلطَّائِفِينَ... جار و مجرور متعلق به طهر

و.. عاطفه

الْقَائِمِينَ... معطوف مجرور

و.. عاطفه

الرُّكْعِ... معطوف مجرور

السُّجُودِ... بدل از رکع مجرور

اعراب جمل

بوانا... مضاف الیه مجرور

۲۷. وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ﴿۲۷﴾

و در میان مردم برای حج بانگ زن تا پیاده و سوار بر هر شتر باریک اندام [چابک و چالاک] که از هر راه دور می آیند، به سوی تو آیند. (۲۷)

و.. عاطفه

أَذِّنْ... فعل امر مبني بر سکون

فِي النَّاسِ... جار و مجرور متعلق به اذن

بِالْحَجِّ... جار و مجرور متعلق به.. اذن

يَأْتُونَ... فعل مضارع مجزوم به حذف نون... مفعول به منصوب

رِجَالًا... حال از فاعل یاتوک

و... عاطفه

عَلَىٰ كُلِّ... جار و مجرور متعلق به حال محذوف

ضَامِرٍ... مضاف الیه مجرور

يَأْتِينَ... فعل مضارع مبني بر سكون
 مِنْ كُلِّ... جار و مجرور متعلق به ياتين
 فَجَّ... مضاف اليه مجرور
 عَمِيقٍ... صفت برای فج
 ياتين... صفت برای ضامر محلا مجرور

۲۸. لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ ﴿٢٨﴾

تا منافع خود را [از برکت این سفر معنوی] مشاهده کنند، و نام خدا را در روزهایی معین [که برای قربانی اعلام شده] بر دام های زبان بسته ای که به آنان عطا کرده ذکر کنند، [چون قربانی کردید] از آن بخورید و تهیدست را نیز اطعام کنید. (۲۸)

لِيَشْهَدُوا... فعل مضارع منصوب به ان مضمربه به حذف نون

مَنَافِعَ... مفعول به منصوب

لَهُمْ... جار و مجرور متعلق به.. يشهدوا

متعلق به صفت برای مناع

و.. عاطفه

يُذْكَرُوا.. معطوف منصوب

اسْمَ... مفعول به

اللَّهِ... مضاف اليه مجرور

فِي أَيَّامٍ... جار و مجرور متعلق به يذكروا

مَعْلُومَاتٍ... مضاف اليه مجرور

عَلَىٰ مَا... جار و مجرور متعلق به يذكروا

رَزَقَهُمْ... فعل ماضی مبني بر فتح

مِنْ بَهِيمَةٍ... جار و مجرور متعلق به حال از مفعول به دوم

الْأَنْعَامِ... مضاف اليه مجرور

فَكُلُوا... فعل امر مبني بر حذف نون

مِنْهَا... جار و مجرور متعلق به كلوا

و...عاطفه

أَطْعِمُوا... فعل امر مبني به حذف نون

الْبَائِسَ... مفعول به منصوب

الْفَقِيرَ... صفت برای باءس

اعراب جمل

يشهدوا... صله برای ان مقدره محلی ندارد

ان يشهدو... محلا مجرور به لام

يذكرو... معطوف محلی ندارد

رزقهم... صله ما.. محلی ندارد

۲۹. ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿۲۹﴾

سپس باید آلودگی های خود را [که در مدت مُحرم بودن و قربانی کردن و سر تراشیدن بر بدن هایشان قرار گرفته] برطرف کنند و نذرهایشان را وفا نمایند و برگرد خانه کهن طواف کنند. (۲۹)

ثُمَّ...عاطفه

لِيَقْضُوا... معطوف به اطعمو.. فعل مضارع مجزوم به حذف نون

تَفَثَهُمْ... مفعول به منصوب..مضاف الیه محلا مجرور

و...عاطفه

لِيُوفُوا... فعل مضارع مجزوم به حذف نون

نُذُورَهُمْ... مفعول به منصوب..مضاف الیه محلا مجرور

و...عاطفه

لِيَطَّوَّفُوا... فعل مضارع مجزوم به حذف نون

بِالْبَيْتِ... جار و مجرور متعلق به يطوفوا

الْعَتِيقِ... صفت برای بیت مجرور

۳۰. ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمَ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ ۖ وَأَحَلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامَ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ ۗ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ ﴿۳۰﴾

این است [آنچه به عنوان مناسک حج قرار داده ایم] و هر کس مقررات خدا را بزرگ شمارد، برای او نزد پروردگارش بهتر است. و چهارپایان مگر آنچه [در آیات دیگر، حرمتش] بر شما خوانده می‌شود، برای شما حلال شده است؛ بنابراین از پلیدی بت‌ها و از گفتار باطل [چون دروغ، افترا، غیبت و شهادت ناحق] دوری گزینید. (۳۰)

ذَلِكَ..خبر برای مبتدای محذوف

و...عاطفه

مَنْ...اسم شرط مرفوع محلا مبتدا

يُعْظَمُ...فعل مضارع مجزوم به سکون...رابط هو مستتر

حُرْمَاتٍ...مفعول به منصوب

اللَّهِ.... مضاف الیه مجرور

فَهُوَ...مبتدا مرفوع

خَيْرٌ...خبر مرفوع...مصدر جامد نیازی به رابط نیست

لَهُ.... جار و مجرور متعلق به خیر

عِنْدَ...ظرف متعلق به خیر

رَبِّهِ.... مضاف الیه مجرور...

و..عاطفه

أَحَلَّتْ...فعل ماضی مبنی بر فتح مجهول

لَكُمْ.... جار و مجرور متعلق به احلت

الْأَنْعَامُ..نائب فاعل مرفوع

إِلَّا..ادات استثنا

مَا..مستثنی منصوب استثنا منقطع

يُنْتَلَى...فعل مضارع مجهول مرفوع به ضمه مقدر

عَلَيْكُمْ.... جار و مجرور متعلق به يتلى

فَاجْتَنِبُوا...فعل امر مبنی به حذف نون

الرَّجْسَ..مفعول به منصوب

مِنَ الْأَوْثَانِ..... جار و مجرور متعلق به..اجتنبو

متعلق به حال از رجس

و..عاطفه

اجْتَبُوا...معطوف

قَوْلَ..مفعول به منصوب

الزُّورِ... مضاف الیه مجرور

اعراب جمل

يعظم...محلا مرفوع خبر برای من..رابط هو مستتر

يتلى..صله ما...محلی ندارد

۳۱. حُنْفَاءٌ لِلَّهِ غَيْرُ مُشْرِكِينَ بِهِ ۚ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ
الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ ﴿۳۱﴾

در حالی که برای خدا حق گرا باشید [و در مناسک حج] به او شرک نورزید. و هر کس به خدا شرک
ورزد، گویا چنان است که از آسمان سقوط کرده و پرنندگان [شکاری] او را می ربایند، یا باد او را به جایی
دور دست می اندازد. (۳۱)

حُنْفَاءٌ...حال از فاعل اجتنبو

لِلَّهِ.... جار و مجرور متعلق به حنفا

غَيْرُ... حال دوم

مُشْرِكِينَ.... مضاف الیه مجرور

بِهِ ... جار و مجرور متعلق به مشرک

و...عاطفه

مَنْ...مبتدا مرفوع

يُشْرِكُ...فعل مضارع مجزوم به سکون

بِاللَّهِ.... جار و مجرور متعلق به یشرک

فَكَأَنَّمَا....

خَرَّ...فعل ماضی مبنی بر فتح

مِنَ السَّمَاءِ... جار و مجرور متعلق به خر

فَتَخْطَفُهُ...فعل مضارع مرفوع به ضمه

الطَّيْرُ...فاعل مرفوع

أَوْ...عاطفه

تَهْوِي... فعل مضارع مرفوع به ضمه مقدر

به... جار و مجرور متعلق به تهوی

الرَّيْحُ... فاعل مرفوع

فِي مَكَانٍ... جار و مجرور متعلق به تهوی

سَحِيقٍ... صفت برای مکان

اعراب جمل

یشرك بالله... محلا مرفوع خبر

۳۲. ذٰلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمُ شَعَائِرَ اللّٰهِ فَاِنَّهَا مِنْ تَقْوٰى الْقُلُوْبِ ﴿۳۲﴾

این است [برنامه های حج و حدود و مقررات خدا] و هر کس شعایر خدا را بزرگ شمارد، بدون تردید این بزرگ شمردن ناشی از تقوای دل هاست. (۳۲)

ذٰلِكَ وَ مَنْ يُعَظِّمُ شَعَائِرَ اللّٰهِ... مثل آیه ۳۰

فَاِنَّهَا... حرف مشبیه..ها اسم ان.. محلا منصوب

مِنْ تَقْوٰى... جار و مجرور متعلق به.. خبر ان محذوف... رابط هو مستتر در فعل محذوف

الْقُلُوْبِ... مضاف الیه مجرور

۳۳. لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ اِلٰى اَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا اِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿۳۳﴾

برای شما در دام های قربانی تا زمانی معین سودهایی است [مانند سواری گرفتن و تغذیه از شیر و گوشت آنها] سپس جایگاه [فرود آمدنشان برای قربانی] به سوی خانه کهن [یعنی خانه کعبه] است.

(۳۳)

لَكُمْ... جار و مجرور متعلق به خبر مقدم

فِيهَا... جار و مجرور متعلق به حال از منافع یا به خبر محذوف

مَنَافِعُ... مبتدای موخر مرفوع

اِلَى اَجَلٍ... جار و مجرور متعلق به.. صفت برای م

مُسَمًّى... صفت برای اجل

ثُمَّ مَحِلُّهَا... عاطفه... مبتدا مرفوع... مضاف الیه مجرور محلا

إِلَى الْبَيْتِ... جار و مجرور متعلق به خبر محذوف... هو مستتر در یکنون رابط
العتیق... صفت برای بیت

۳۴. وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ ۚ فَإِنَّهُمْ إِِلَهُهُ وَاحِدٌ فَلَهُ
أَسْلَمُوا ۗ وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ ﴿۳۴﴾

و برای هر امتی عبادتی ویژه قرار داده ایم [که مشتمل بر قربانی است] تا نام خدا را بر آنچه که از دام
های زبان بسته روزی آنان نموده ایم [به هنگام قربانی] ذکر کنند. پس [بدانید که] معبود شما خدای
یکتاست؛ بنابراین فقط تسلیم او شوید. و فرمانبرداران فروتن را [به لطف و رحمت خدا] مژده ده.
(۳۴)

وَلِكُلِّ... جارو مجرور متعلق به مفعول به دوم محذوف برای جعلنا

أُمَّةٍ... مضاف الیه مجرور

جَعَلْنَا.. فعل ماضی مبنی بر سکون

مَنْسَكًا.. مفعول به منصوب

لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ.... اعرابش در آیه ۲۸

فَإِنَّهُمْ... مبتدا مرفوع.. مضاف الیه مجرور

إِلَهُهُ... خبر مرفوع

وَاحِدٌ... صفت برای اله

فَلَهُ... جار و مجرور متعلق به اسلموا

أَسْلَمُوا... فعل امر مبنی بر حذف نون

و.. عاطفه

بَشِّرِ... فعل امر مبنی بر سکون

الْمُخْبِتِينَ... مفعول به منصوب

۳۵. الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمُ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ
يُنْفِقُونَ ﴿۳۵﴾

همانان که وقتی خدا یاد شود، دل هایشان می هراسد، و بر آنچه [از بلا و حادثه] به آنان می رسد،
شکیبایند و برپا دارندگان نمازند و از آنچه روزی آنان نمودیم، انفاق می کنند. (۳۵)

الَّذِينَ... صفت برای مخبِتین

إِذَا.. ظرفیه منصوب

ذُكِرَ.. فعل ماضی مجهول

اللَّهُ.. نائب فاعل مرفوع

وَجِلَتْ... فعل ماضی مبنی بر فتح

قُلُوبُهُمْ... فاعل مرفوع.. مضاف الیه مجرور

و.. عاطفه

الصَّابِرِينَ... عطف به مخبت

عَلَى مَا... جار و مجرور متعلق به اصحابهم

أَصَابَهُمْ... فعل ماضی مبنی بر فتح

و.. عاطفه

الْمُقِيمِي... معطوف

الصَّلَاةِ... مضاف الیه مجرور

و.. عاطفه

مِمَّا... جار و مجرور متعلق به رزقنا

رَزَقْنَاهُمْ... فعل ماضی مبنی بر سکون

يُنْفِقُونَ... فعل مضارع مرفوع به ثبوت نون... واو فاعل محلا مرفوع

۳۶. وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ ۖ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ ۚ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ ۚ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاَهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۳۶﴾

شتران قربانی را برای شما از شعایر خدا قرار دادیم، برای شما در آنها سودی [مانند سواری گرفتن و تغذیه از شیر و گوشت آنها] است؛ در حالی که به نظم در خط مستقیم ایستاده اند، نام خدا را [هنگام نحر کردنشان] بر آنها ذکر کنید، و زمانی که [بی جان] به پهلو در افتاده اند، از آنها بخورید و به تهیدستانی که اهل درخواست کردن نیستند و فقیرانی که اهل درخواست کردن هستند، بخورانید. این گونه آنها را برای شما رام و مسخر کردیم تا سپاس گزاری کنید. (۳۶)

و.. استینافیه

الْبُدْنَ... مفعول به منصوب برای فعل محذوف

جَعَلْنَاهَا... فعل ماضی.. فاعل.. مفعول به منصوب

لَكُمْ... جار و مجرور متعلق به جعل

مِنْ شَعَائِرٍ... جار و مجرور متعلق به مفعول به دوم محذوف

اللَّهِ... مضاف الیه مجرور

لَكُمْ... جار و مجرور متعلق به خبرمقدم محذوف...رابط هو مستتر در یکون

فِيهَا... جار و مجرور متعلق به حال از خیر

خَيْرٌ... مبتدای موخر

فَأَذْكُرُوا... فا جواب شرط...فعل امر ..فاعل واو محلا مرفوع

اسْمَ..مفعول به منصوب

اللَّهِ... مضاف الیه مجرور

عَلَيْهَا... جار و مجرور متعلق به اذکروا

صَوَافٍ... حال از ضمیر ها

فَإِذَا... فا عاطفه...اذا ظرفیه شرطیه

وَجَبَتْ... فعل شرط مضاف الیه محلا مجرور

جُنُوبِهَا..فاعل مرفوع..مضاف الیه

فَكُلُّوا... فا جواب..جواب شرط..

مِنْهَا... جار و مجرور متعلق به

و..عاطفه

أَطْعِمُوا... فعل امر معطوف به کلا

الْقَانِعِ..مفعول به منصوب

و..عاطفه

الْمُعْتَرِّءِ..معطوف..به قانع

كَذَلِكَ...متعلق به مفعول مطلق محذوف

سَخَّرْنَاهَا... فعل ماضی مبنی بر فتح..فاعل محلا مرفوع..مفعول به محلا منصوب

لَكُمْ... جار و مجرور متعلق به سخر

لَعَلَّكُمْ...حرف مشبیهه...کم اسم لعل محلا منصوب

اعراب جمل

تَشْكُرُونَ...محلا مرفوع خبر لعل...رابط واو

جعلناها..تفسیریه محلی ندارد

وجبت جنوبها..محلا مجرور مضاف الیه

کلو..جواب شرط غیر جازم..محلی ندارد

اطعمو..معطوف محلی ندارد

۳۷. لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَاؤها وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ ۚ كَذَٰلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ ۗ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ ﴿۳۷﴾

هرگز گوشت هایشان و خون هایشان به خدا نمی رسد، بلکه تقوای شما به او می رسد. این گونه آنها را برای شما رام و مسخر کرد تا خدا را به [شکرانه] اینکه هدایتتان کرد به بزرگی یاد کنید؛ و نیکوکاران را [به لطف و رحمت خدا] مزده ده. (۳۷)

لَنْ يَنَالَ...مضارع منصوب به لن

اللَّهِ...مفعول به منصوب

لُحُومَهَا...فاعل مرفوع..مضاف الیه مجرور

وَ...عاطفه

لَا دِمَاؤها...نفي...معطوف مرفوع..مضاف الیه مجرور

وَلَكِنْ...مخففه ملغی از عمل

يَنَالُهُ...فعل مضارع مرفوع به ضمه..ه..مفعول به منصوب

التَّقْوَىٰ...فاعل مرفوع تقدیرا

مِنْكُمْ ... جار و مجرور متعلق به حال محذوف

كَذَٰلِكَ... متعلق به مفعول مطلق محذوف

سَخَّرَهَا...فعل ماضی مبني بر فتح...مفعول به منصوب محلا

لَكُمْ...جارومجرور متعلق به سخر

لِتُكَبِّرُوا...مضارع منصوب به ان مضمرة

اللَّهِ...مفعول به منصوب

عَلَىٰ مَا... جار و مجرور متعلق به هداکم

هَدَاكُمْ...فعل ماضی مبني بر فتح تقدیری..مفعول به منصوب

وَ...عاطفه بَشِّرِ...فعل امر

الْمُحْسِنِينَ...مفعول به منصوب به یاء

اعراب جمل

تکبروا... صله موصول حرفی .. محلی ندارد

هداکم... صله محلی ندارد

۳۸. إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ ﴿۳۸﴾

مسلماً خدا از مؤمنان دفاع می کند، قطعاً خدا هیچ خیانت کار ناسپاسی را دوست ندارد.

إِنَّ... حرف مشبهه

اللَّهُ... اسم ان منصوب

يُدَافِعُ... فعل مضارع مرفوع به ضمه

عَنِ الَّذِينَ... جار و مجرور متعلق به يدافع

آمَنُوا... فعل ماضی مبنی بر ضم

إِنَّ... حرف مشبهه

اللَّهُ... اسم ان منصوب

لَا يُحِبُّ... فعل مضارع مرفوع به ضمه

كُلَّ... مفعول به منصوب

خَوَّانٍ... مضاف الیه مجرور

كُفُورٍ... صفت برای خوان... مجرور

اعراب جمل

يدافع... محلا مرفوع خبر... رابط هو مستتر

آمَنُوا... صله محلی ندارد

لايحب... محلا مرفوع... خبر ان دوم... رابط هو مستتر

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرج مولانا صاحب الزمان

